

مشکلات تعلیم و آموزش سنتی در کامبوج

از ژاک برونه استاد دانشگاه سلطنتی هنرهای زیبای «پنوم پنه»

مانند بسیاری از ممالک دیگر، موسیقی غربی و بطور دقیق تر آهنگ‌های رقص مدرن و تصنیف‌های روز و موسیقی های سرگرم کننده که در حال حاضر در چهارگوشه دنیا بگوش میرسد سرتاسر کامبوج را نیز فرا گرفته است .

این وضع - که از طریق استفاده روز افزون رادیوهای ترانزیستوری دائماً توسعه مییابد - در برابر موقعیتی که هزاران سال است موسیقی و رقص های سنتی « خمر » برای خود حفظ نموده قرار گرفته است *بطلان سنتی*

بایستی خاطر نشان ساخت که تا چندی پیش جهت حفظ و زنده نگه داشتن موسیقی سنتی لزوم تعلیم و آموزش مخصوصی که مطابق با خصوصیات این موسیقی باشد احساس نمیشد . بدین معنی که موسیقی « خمر » شفاهاً از استاد به شاگرد منتقل میشد، نه استاد اشکالی برای آموختن آنچه میدانست داشت و نه شاگرد برای فرا گرفتن و بخاطر سپردن تعلیمات استاد . از آنجائی که اشخاصی که سواد خواندن و نوشتن ندارند صاحب حافظه ای فوق العاده قوی هستند این شاگردان بسهولة چهارصد یا پانصد ملودی که « رپرتوار » متوسط نوازنده موسیقی سنتی کامبوجی را تشکیل میدهد بخاطر می سپردند .

شاگرد در حالیکه در مقابل استاد نشسته بود با ساز خود تمی را که استاد مینواخت ساعتی تمام تمرین میکرد تا آن را کاملاً فراگیرد و بدان تسلط یابد.

پس از آن کافی بود که شاگرد آنقدر تمرین نماید که مهارت لازم را کسب کند و این شاگرد هنگامی بدرجه نوازنده بسیار خوب میرسید که بتواند ملودی های خود را بآنت های تزئینی متعدد و صور دیگری از همان ملودی ها و تغییرات وزن (ریتم) و غیره همراهی کند و اینکار اخیراً را میبایستی خود شخصاً کشف و ابتکار کند. موسیقی کامبوج در عین حال که يك موسیقی است که کمتر دستخوش تحول و دگرگونی گردیده است (و این بدلیل آنکه يك موسیقی سنتی است پس کمتر قابلیت تحول سریع دارد) يك موسیقی زنده نیز بشمار می آید . بدین معنی که هر نوازنده تم مورد نظر را باروبه ای که خاص خودش است مینوازد و خود او نیز هیچگاه يك ملودی را دوبار بيك شکل نمی نوازد .

از سال ۱۹۶۵ در دانشگاه سلطنتی هنرهای زیبای پنوم پنه قسمتی برای آموزش و تعلیم موسیقی سنتی تأسیس شده است . اگر در قسمت رقص اشکالاتی که از نظر گرد آوری و تشکیل گروه رقص ها و رقصه ها و معلمین رقص حرفه ای بوجود می آمد با سانی قابل حل بود در قسمت موسیقی بملت تنوع در اجرای این موسیقی ها این اشکالات بقوت خود باقی بود .

خود من در چند سال پیش که میخواستم چند قطعه موسیقی کامبوجی را نت نویسی نمایم این تجربه را نمودم . نتیجه ای که از نواختن این قطعات با استفاده از این نت ها بدست آمد کاملاً با اصل قطعات متفاوت بود . هنگامیکه رؤسای مؤسسه آموزش و تعلیم موسیقی سنتی «خمر» تصمیم به تشکیل ارکسترهای مختلفی که بتوانند انواع موسیقی سنتی «خمر» بنوازند گرفتند به همین اشکالات برخوردند . نت نویسی این موسیقی ها با استفاده از علامات متداول غربی باعث انجماد این موسیقی ها میگردد بدین معنی که با این عمل امکان بوجود آوردن صورت های دیگری از این ملودیها و حالت و بیان شخصی که لازمه اجرای موسیقی کامبوجی است از اجراء کنند ، که پارتیسیون خود را میخوانند سلب میشد . پس برای آموزش و تعلیم این موسیقی دوباره از وجود استادان کهنسال که طبق رسوم و سنت های خویش کار تعلیم و آموزش را بجوانان دنبال میکردند استفاده شد . بعضی از این شاگردان جوان اینک ارکسترهای بسیار خوبی تشکیل داده و بعضی دیگر خود را آماده تدریس مینمایند . اما با وجود تمام اینها در ۶ سالی که شاگرد به تحصیل اشتغال دارد نخست « سلفژ » و سپس پاره ای اطلاعات اولیه را در باره يك ساز اروپائی فرا میگردد آنگاه میتواند در قسمتی که مورد نظر خود او میباشد کار تخصصی خویش را دنبال کند . اینجاست که مشکل جدیدی پدید می آید . بدین معنی

که بعضی از این شاگردان شروع به مطالعه نمودند و تحقیقات خود را در راه رسیدن به يك فرمول جدیدی در موسیقی ادامه دادند. این امر از این نظر با کار آنها مغایرت دارد که سنت‌ها خود از تحولات و دگرگونیها جلوگیری مینمایند. بدین ترتیب این موسیقیدانان جوان با اطلاعات کافی درباره «سلفژ» غربی و معلومات فنی کافی در مورد سازهای سنتی کشورشان در صدبرآمدند يك موسیقی ملی جدید پدید آورند. بیم آن میرفت که يك موسیقی بی پایه با اصطلاح شرقی پدید آید همچنان که در جاهای دیگر اتفاق افتاده است. ارکسترهایی تشکیل شده اند که در عوض ۷ یا ۹ نوازنده معمول تحقیق درباره طنین صداهاى جدید و «سونوریتتهائی» که از تلفیق و ترکیب سازهای مختلف که كوك آنها قابل تغییر است و طریقه‌های اجزائی نوتری گذارده‌اند. در اینجا دیگر سخن از موسیقی سنتی نیست بلکه سخن از وسائل و طرق جدیدی برای بیان موسیقی است که در اختیار آهنگسازان جوان قرار دارد. در همین دانشکده تشکیل يك ارکستر مجلسی از نوع غربی امکان تجربیات مختلف را میدهد. استفاده صحیح از این تحقیقات و مطالعات که در راه غنی نمودن کمپوزسیون‌های مدرن انجام میشود و تابع ذوق شخصی است شاید بتواند نتایج مثبتی ببار آورد. با اینحال نوع ارکستر فوق‌الذکر يك مورد استثنائی و منحصر بفرهنگ است (که نتیجه تأثیرات ناخودآگاهی است که موسیقی غربی در کامبوجیها دارد). هنرهای زیبا قسمت اعظم سعی و کوشش خود را در راه حفظ موسیقی سنتی به همان شکلی که در نزد دهاتیهای کامبوج رایج است میندول داشته و هر نوع امتزاج و دورگه‌ای را مضر میدانند. از اینرو دانشگاه نگهداری ارکسترهای موسیقی سنتی را بعهده گرفته است و از این راه جوانان را تشویق مینماید تا در حفظ سرمایه فرهنگی خویش کوشا باشند.

وزارت آموزش ملی و هنرهای زیبا مشترکاً بسط و توسعه آموزش و تعلیم کلیه هنرها اعم از جدید و قدیمی را در تمام مدارس و دبیرستانها تصویب نموده‌اند. این دروس بمحض باز شدن مدارس در سال تحصیلی جدید بعنوان دروس اختیاری تعلیم داده خواهد شد و چنانکه شاگردی در یکی از این دروس هنری با درجه ممتاز قبول شود و استعداد و قابلیت خود را بنمایاند وی را تشویق خواهند نمود که وارد یکی از دانشکده‌های دانشگاه هنرهای زیبا بشود.

هنرهای سنتی کامبوج بعنوان يك میراث ملی که بایستی در حفظ آن کوششی سریع بعمل آید مورد توجه قرار گرفته است. برای اینکار نخست لازم است معلمینی تربیت شوند که بتوانند در دبیرستانها تعلیم و آموزش ابتدائی هنرهای موسیقی و رقص هنرهای و تحسیمی سنتی را بعهده گیرند. بدون شك این بهترین راهیست برای

کشف استعداد های هنری جدید که سخت مورد احتیاج در کامبوج است . برای اینکار بایستی برنامه های دقیق تنظیم نمود و به خصوص رویه ای برای آموزش در نظر گرفت . در اینجا لازم است درباره این مطلب که آموزش و تعلیم موسیقی سنتی از طریق روش های غربی ممکن نیست پافشاری نمایم . باید در صدد بود و نحوه هایی برای ثبت يك طريقه تعليم و آموزش که مطابق با خواسته ها و خصوصیات موسیقی کامبوج باشد انتخاب نمود و اینکار است که فعلاً مورد مطالعه قرار گرفته است . آنچه مسلم است اینست که بعنوان مثال میتوان بر مبنای روش های سنتی استادان يك روش مرفعی تعلیم و آموزش فنی سازها که در عین حال شامل تمرین های مناسب نیز باشد ایجاد نمود و این روش فوق الذکر مسلماً دارای نتایج سریعتری از روش سنتی متداول خواهد بود .

در اینجا مثال يك نوع خاص از موسیقی مربوط به مراسم مذهبی يك دهکده کامبوج را یاد آور میشوم . نوازنده طبل و گنگ این دهکده ۱۲ سال تمام نزد استاد خویش تعلیم گرفت تا آنکه استادش او را شایسته جایگزینی خود شناخت ؛ اکثر ریزه کاری های ساز او برای گوش يك نفر غربی غیر قابل تشخیص است . چنانچه این نت های ریز در يك « پارتیسیون » ثبت شوند بکلی مفهوم خود را از دست خواهند داد . این بود آنچه مربوط به وزن میباشد .

این مطلب در مورد نت نویسی ملودی هائیکه ساختمان « پنتاتونیک » دارند و بر اساس گام متشکل از هفت پرده متساوی موسوم به « هپتافون اعتدال یافته » استوارند نیز صدق میکند . من اکثراً متوجه شدم که تا چه اندازه گوش شاگردانی که سلفژ مطالعه نموده اند منحرف گردیده زیرا نت نویسی سلفژ نمیتواند بدرستی و دقت « اشل های » موسیقی کامبوجی را بازگو نماید . گاهی کافیس است که فقط پس از چند روز مطالعه « سلفژ » شاگرد کامبوجی برای همیشه از درک مفهوم ساختمان موسیقی ملی خود عاجز بماند و این بزرگترین خطری است که از طریق افزایش روز افزون « ملودی ها » و « هارمونی » های غربی متوجه موسیقی سنتی و حفظ وصیانت آنست . اینک که در عصر ما بایستی برای حفظ موسیقی سنتی کامبوج آن را در مدارس بوسیله يك روش مدون تدریس نمود لزوم بکار بردن روشی که به توان بوسیله آن در آینده نزدیکی با حفظ خصوصیات این موسیقی کار تدریس و آموزش را آغاز نمود بچشم میخورد .

لیکن این روش بهیچوجه نبایستی بر اساس قوانین منظم تعلیم و تربیت غربی تنظیم و برقرار گردد .